



تحلیل شخصیت حضرت علی(ع) از نگاه شهید مطهری(ره)

مولای سبز پوش

اسدالله افشار

فیلسوف شهیر و حکیم فرزانه، علامه شهید مطهری(ره) کتابی دارد به نام <جاذبه و دافعه علی(ع)> این کتاب مجموعه‌ای است از چهار سخنرانی ایشان که در روزهای 18 تا 21 ماه مبارک رمضان سال 1388 هجری قمری در حسینیه ارشاد ایراد کرده است. این کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و دو بخش، در مقدمه، کلیاتی درباره جذب و دفع به طور عموم و جاذبه و دافعه انسان‌ها به طور خصوص بحث شده است. در بخش اول، جاذبه علی(ع) که همواره دل‌هایی را به سوی خود کشیده و می‌کشد و فلسفه آن و فایده و اثر آن، موضوع بحث قرار گرفته است. در بخش دوم، دافعه نیرومند آن حضرت که چگونه عناصری را به سختی طرد می‌کرد و دور می‌انداخت توضیح و تشریح شده است. استاد شهید در این کتاب ثابت نموده است که علی(ع) دو نیرویی بوده است و هر کس که بخواهد در مکتب او پرورش یابد، باید دو نیرویی باشد. با این مقدمه کوتاه اینک فرازهایی از دیدگاه آن شهید بزرگوار را پیرامون شناخت وی از شخصیت ملکوتی حضرت علی(ع) در ذیل و به صورت اختصار خواهم آورد که مطالعه آن در سالروز میلاد آن بزرگوار خالی از لطف نخواهد بود.

1- تاثیر علی(ع) بر روی انسان‌ها: یکی از جوانب و نواحی وجود این شخصیت عظیم، ناحیه تاثیر او بر روی انسان‌ها به شکل مثبت یا منفی است و به عبارت دیگر <جاذبه و دافعه> نیرومند او است که هنوز هم نقش فعال خود را ایفا می‌نماید.

2- امتیاز اساسی علی(ع): امتیاز اساسی آن امام و سایر مردانی که از پرتو حق روشن بوده‌اند این است که علاوه بر مشغول داشتن خاطر‌ها و سرگرم کردن اندیشه‌ها، به دل‌ها و روح‌ها نور و حرارت و عشق و نشاط و ایمان و استحکام می‌بخشند. فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو و بوعلی و دکارت نیز قهرمان تسخیر اندیشه‌ها و سرگرم کردن خاطر‌ها هستند.

3- خاصیت و مکتب علی(ع): در علی(ع) هم خاصیت فیلسوف است و هم خاصیت رهبر انقلابی و هم خاصیت پیر طریقت و هم خاصیتی از نوع خاصیت پیامبران، مکتب او هم مکتب عقل و اندیشه است و هم مکتب شور و انقلاب و هم مکتب تسلیم و انضباط و هم مکتب حسن و زیبایی و جذب و حرکت.

4- بیان اوصاف علی(ع): پیش از آنکه امام عادل برای دیگران باشد و درباره دیگران به عدل رفتار کند، خود شخصا موجودی متعادل و متوازن بود، کمالات انسانیت را با هم جمع کرده بود. هم اندیشه‌های عمیق و دور رس داشت و هم عواطفی رقیق و سرشار، کمال جسم و کمال روح را توأم داشت، شب هنگام عبادت از ما سوی می‌برید و روز در متن اجتماع فعالیت می‌کرد.

5- علی(ع) شخصیت دو نیرویی: علی(ع) از مردانی است که هم جاذبه دارد و هم دافعه، و جاذبه و دافعه او سخت نیرومند است. شاید در تمام قرون و اعصار، جاذبه و دافعه‌ای به نیرومندی جاذبه و دافعه علی(ع) پیدا نکنیم، دوستانی دارد عجیب، تاریخی، فداکار، باگذشت، از عشق او همچون شعله‌هایی از خرمن آتش، سوزان و پرفروغاند، جان دادن در راه او را آرمان و افتخار می‌شمارند و در دوستی او همه چیز را فراموش کرده‌اند، از مرگ علی(ع) سالیان بلکه قرونی گذشت اما این جاذبه همچنان پرتو می‌افکند و چشم‌ها را به سوی خویش خیره می‌سازد.

6- جاودانه ماندن علی(ع): علی(ع) اگر رنگ خدا نمی‌داشت و مردی الهی نمی‌بود و فراموش شده بود. تاریخ بشر قهرمان‌های بسیار سراغ دارد:

قهرمان‌های سخن، قهرمان‌های علم و فلسفه، قهرمان‌های قدرت و سلطنت، قهرمان میدان جنگ، ولی همه را بشر از یاد برده است و یا اصلا نشناخته است. امام علی(ع) نه تنها با کشته شدنش نمرد بلکه زنده‌تر شد. خود می‌گوید: <گرد آورندگان دارایی‌ها در همان حال که زنده‌اند مرده‌اند و دانشمندان (علمای ربانی) پایدارند تا روزگار پایدار است، جسم‌های آنها گم‌شده است اما نقش‌های آنها بر صفحه دل‌ها موجود است.> 11) درباره شخص خودش می‌فرماید: <فردا روزهای مرا می‌بینید و خصائص شناخته نشده من برایتان آشکار می‌گردد و پس از تمام شدن جان من و ایستادن دیگری به جای من، مرا خواهید شناخت.> 22)

7- علی(ع) تجسم حقیقت: علی(ع) مقیاس و میزانی است برای سنجش فطرت‌ها و سرشت‌ها، آنکه فطرتی سالم و سرشتی پاک دارد از وی نمی‌رنجد ولو اینکه شمشیرش بر او فرود آید و آنکه فطرتی آلوده دارد به او علاقمند نگردد ولو اینکه احسانش کند، چون علی(ع) جز تجسم حقیقت چیزی نیست. او خود می‌فرماید: <اگر با این شمشیرم بینی مومن را بزنم که با من دشمن شود، هرگز دشمنی نخواهد کرد و اگر همه دنیا را بر سر منافق بریزم که مرا دوست بدارد هرگز مرا دوست نخواهد داشت، زیرا که این سخن بر زبان پیغمبر امی جاری گشته که گفت: <یا علی! مومن تو را دشمن ندارد و منافق تو را دوست نمی‌دارد.> 33)

8- سبب دوستی و محبت علی(ع) در دل‌ها: فوق‌العادگی علی(ع) در چیست که عشق‌ها را برانگیخته و دل‌ها را به خود شیفته ساخته و رنگ حیات جاودانی گرفته است و برای همیشه زنده است؟ چرا دل‌ها همه خود را با او آشنا می‌بینند و اصلا او را مرده احساس نمی‌کنند بلکه زنده می‌یابند؟ مسلمانان ملاک دوستی او جسم او نیست زیرا جسم او اکنون در بین ما نیست و ما آن را احساس نکرده‌ایم، و با محبت علی(ع) از نوع قهرمان دوستی که در همه

ملت‌ها وجود دارد نیست، هم اشتباه است که بگوییم محبت‌علی(ع) از راه محبت نیست، هم اشتباه است که بگوییم محبت‌علی(ع) از راه محبت فضیلت‌های اخلاقی و انسانی است، و حب‌علی(ع) حب انسانی است، درست است علی(ع) مظهر انسان کامل بود و درست است که انسان نمونه‌های عالی انسانیت را دوست می‌دارد اما اگر علی(ع) همه این فضایل انسانی را که داشت می‌داشت، آن حکمت و آن علم، آن فداکاری و از خود گذشتگی‌ها، آن تواضع و فروتنی، آن ادب، آن مهربانی و عطوفت، آن ضعیف‌پرویی، آن عدالت، آن آزادگی و آزادیخواهی، آن احترام به انسان، آن ایثار، آن شجاعت، آن مروت و مردانگی نسبت به دشمن، آن سخا و جود و کرم و ... اگر علی(ع) همه اینها را که داشت، می‌داشت اما رنگ الهی نمی‌داشت، مسلماً این قدر که امروز عاطفه‌انگیز و محبت‌خیز است نبود.

9- علی(ع) مردی دشمن‌ساز و ناراضی‌ساز : علی(ع) مردی دشمن‌ساز و ناراضی‌ساز بود، این یکی دیگر از افتخارات بزرگ او است، هر آدم مسلکی و هدف‌دار و مبارز و مخصوصاً انقلابی که در پی عملی ساختن هدف‌های مقدس خویش است مصداق قول خداست که > یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومه لائم : در راه خدا می‌کوشند و از سرزنش سرزنشگری بیم نمی‌کنند<

10- علی(ع) مظهر جامعیت و انسان کامل : یکی از مظاهر جامعیت و انسان کامل بودن علی(ع) این است که در مقام اثبات و عمل با فرقه‌های گوناگون و انحرافات مختلف روبه‌رو شده است و با همه مبارزه کرده است. گاهی او را در صحنه مبارزه با پول‌پرست‌ها و دنیا پرستان متجمل می‌بینیم، گاهی هم در صحنه مبارزه با سیاست‌پیشه‌های ده رو و صدرو گاهی با مقدس‌نماهای جاهل و منحرف لذا وجود مقدس حضرت علی(ع) در دوران خلافتش سه دسته را از خود طرد کرد و با آنان به پیکار برخاست : اصحاب جمل که خود آنان را ناکثین نامید و اصحاب صفین که آنها را قاسطین خواند و اصحاب نهروان یعنی خوارج که خود آنها را مارقین می‌خواند.

11- مبارزه علی(ع) با دو طبقه : سراسر وجود علی(ع)، تاریخ و سیرت علی(ع) خلق و خوی علی(ع)، رنگ و بوی علی(ع) سخن و گفت و گوی علی(ع) درس است و سرمشق است و تعلیم است و رهبری است. همچنان که جذب‌های علی(ع) برای ما آموزنده و درس است، دفع‌های او نیز چنین است، ما معمولاً در زیارت‌های علی(ع) و سایر اظهار ادب‌ها مدعی می‌شویم که ما دوست دوست تو، و دشمن دشمن تو هستیم. تعبیر دیگر این جمله این است که به سوی آن نقطه می‌رویم که در جو جاذبی تو قرار دارد و تو جذب می‌کنی و از آن نقاط دوری می‌گیریم که تو آنها را دفع می‌کنی.

علی(ع) دو طبقه را سخت دفع کرده است: 1- منافقان زیرک 2- زاهدان احمق  
همین دو درس، برای مدعیان تشیع او کافی است که چشم باز کنند و فریب منافقان را نخورند، تیزبین باشند و ظاهر بینی را رها نمایند، که جامعه تشیع در حال حاضر سخت به این دو درد مبتلا است.

پی‌نوشت‌ها:

1- نهج البلاغه، حکمت 139

2- نهج البلاغه، خطبه 149

3- نهج البلاغه، حکمت 42

4- سوره مائده/54

5- قبل از آن حضرت، پیغمبر (ص) آنان را به این نام‌ها نامید که به وی گفت : > ستقاتل بعدی الناکثین و القاسطین و المارقین<، پس از من با ناکثین و قاسطین و مارقین مقاتله خواهی کرد. این روایت را ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه، ج 1، ص 201 نقل می‌کند و می‌گوید این روایت یکی از دلایل نبوت حضرت ختمی مرتب است، زیرا که اخباری صریح است از آینده و غیب که هیچ‌گونه تاویل و اجمالی در آن راه ندارد